

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۵

## جایگاه نظام ریاستی یا پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران

۷۵

فصل مطالعات حقوق  
دولت اسلامی

جایگاه نظام ریاستی یا پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران

توکل حبیب‌زاده، محمد برومند

توکل حبیب‌زاده<sup>\*۱</sup>

محمد برومند<sup>۲</sup>

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

### چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام تفکیک قوا را (در اصل ۵۷) تحت نظارت ولایت فقیه پذیرفته است که این نظارت خود منبعث از اصل پنجم به عنوان یکی از اصول بنیادین است، بنابراین جهت تأمین استقلال قوا، نوعی از نظام نیمه‌ریاستی شکل گرفته است؛ چرا که از طرفی طبق اصول ۸۷ تا ۸۹ وزرای دولت نیازمند رأی اعتماد مجلس و در مقابل آن پاسخگو می‌باشند و از طرف دیگر طبق اصل ۱۱۴ رئیس قوه مجریه با آرای عمومی انتخاب می‌شود و اصل ۱۱۳ رئیس‌جمهور را بعد از رهبری بالاترین مقام رسمی کشور می‌داند. از آنجایی که نظام مذکور به علت وجود اختیارات متقابل دولت و مجلس، قابل نقد است و در ساحت عمل هم چالش‌هایی را ایجاد کرده است، مقاله حاضر بر آن است پس از بررسی اجمالی سایر نظام‌ها، با عنایت به اصل ثابت ولایت مطلقه فقیه، راه‌کارهای پیش رو، از جمله نظام پارلمانی و متناسب با عناصر و مؤلفه‌های جمهوری اسلامی ایران را طرح و بررسی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** ولایت مطلقه فقیه، نظام تفکیک قوا، نظام نیمه‌ریاستی، نظام پارلمانی.

نظام جمهوری اسلامی ایران الگویی از حکومت اسلامی است که «بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او» بنا شده است. (اصل دوم ق.ا.ج.ا.) به موجب اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، ضمن آنکه حاکمیت مطلق بر جهان و انسان، از آن خداوند اعلام شده است، حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش نیز بر مبنای اراده الهی استوار گردیده است. این حق الهی و خداداد قابل سلب از انسان نبوده و از طرق مقرر در اصول قانون اساسی اعمال می‌گردد (اصل ۵۶ ق.ا.ج.ا.).

از آنجاکه نگرش اسلام درباره حاکمیت و حکومت ریشه‌های دیگری دارد و سیاست از دین جدا نیست، امر حکومت‌داری نیز جنبه الهی دارد و از آنجا که ملکه عدالتی که از شرایط احراز شده متصدی حکومت است مانع از کجروی وی است، نیازی به لزوم تفکیک قوا احساس نمی‌شود. چنانچه قانون اساسی در اصل پنجاه و هفتم از واژه استقلال قوا با قید زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت، استفاده می‌کند و این بیان، نشانگر این مطلب است که هدف از استقلال قوا، تسهیل در امور حکومت و تقسیم شئون مختلف و تخصص‌گرایی بوده است (نجفی اسفاد- محسنی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). بنابراین ذیل این ولایت، امور مملکت، متناسب با مقتضیات زمان، به بهترین وجه ممکن اداره می‌گردد. بنابراین ممکن است مقامی که متصدی امر قضاست بتواند در امور اجرایی نقش مؤثری داشته باشد و نهادی که مسئولیت تهیه و تنظیم قوانین و ترسیم خط مشی‌ها را بر عهده دارد، در امور قضایی و اجرایی هم مداخله نماید. چنانچه هر یک از این مقامات و نهادها با توجه به جنبه الهی و معنوی وظایف محوله و در راستای خدمت به خلق خدا، انجام وظیفه کنند، بیم استبداد و یا کارشکنی در کار یکدیگر در میان نخواهد بود. (مدنی، ۱۳۷۳: ۱۵۴)

بنابراین، اصل تفکیک قوایی که از سوی دانشمندان مغرب‌زمین به منظور

جلوگیری از فساد قدرت ارائه گردیده، در اسلام مورد تأکید نیست و منعی برای تداخل قوا و انجام درست وظایف با تعامل و مشارکت سازنده و هم‌افزای متصدیان امر وجود ندارد و اگر تفکیکی هم صورت می‌گیرد ذیل ولایت یک شخص و به جهت تقسیم وظایف و بهبود انجام کار است.

در همین راستا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استقلال قوا البته زیر نظر ولایت امر و امامت امت تعبیه شده است. در ساختار تشکیلاتی نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی سال ۵۸ قوه مجریه به صورت دو رکنی شکل گرفته بود و از میان نظام‌های سیاسی موجود به نظام نیمه‌ریاستی نزدیک بود. پس از بازنگری در آن قانون، سعی شد برخی ایرادات وارد بر آن برطرف گردد. اکنون نیز پس از گذشت سه ده همچنان ابهامات و نواقصی در این ساختار مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران را به ارائه راه‌کار وا داشته است. فرمایشات مقام معظم رهبری در این‌باره، بهانه‌ای را برای مرور نظام تفکیک قوا و تنظیم روابط بین آن‌ها در نظام‌های مختلف سیاسی فراهم ساخت. نوشته ذیل بر آن است تا پس از معرفی نظام‌های موجود، به نقد و تحلیل نظام تفکیک قوای جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سپس راه‌کارهای ممکن را در حد وسع مطرح و بررسی نماید.

#### گفتار اول: تاریخچه تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از پایه‌های اساسی دستورگرایی، مبنای تقسیم مناسب قدرت بین نهادهای تخصصی حکومت را تشکیل می‌دهد. نظریه‌پردازان حقوق اساسی و عالمان اندیشه سیاسی از دیرباز تمرکز بیش از حد قدرت در یک فرد یا گروهی از فرمانروایان را فسادآور دانسته و طرح‌هایی را برای توزیع قدرت بین چند نهاد و جلوگیری از استبداد و خودکامگی ارائه نموده‌اند. معروف‌ترین نظریه‌پرداز این عرصه، منتسکیو<sup>۱</sup> است که در کتاب روح‌القوانین با محور

۱. Montesquieu نویسنده و فیلسوف فرانسوی (۱۶۸۹-۱۷۵۵)

قرار دادن آزادی سیاسی، سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را از هم تفکیک می‌دهد و همین راه‌کار الهام‌بخش نویسندگان قانون اساسی به‌ویژه در آمریکا و فرانسه قرار می‌گیرد. از نظریه تفکیک قوای منتسکیو در قرن ۱۸ در کتاب روح القوانین، دو برداشت متفاوت از سوی اندیشمندان حقوق اساسی به عمل آمد که هر کدام از آن‌ها پایه و اساس شکل‌گیری رژیم ویژه مربوط به خود قرار گرفتند.

برخی از اندیشمندان حقوق اساسی از جمله نویسندگان قانون اساسی ۱۷۸۷ ایالات متحده آمریکا و همچنین قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه، با برداشت تفکیک مطلق قوا از نظریه منتسکیو، به سوی تقسیم متساوی حاکمیت در قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه روی آوردند و گمان کردند که می‌توان بین سه قوه مذکور تفکیک و تمایز کاملی برقرار کرد، به گونه‌ای که هیچ‌کدام از آن‌ها نتواند در کارهای دیگری مداخله نماید. (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۵۳ و قاسم‌زاده، ۱۳۳۴: ۱۳۲)

دسته دیگر از صاحب‌نظران حقوق اساسی بر این گمان بودند که تفکیک مطلق قوا، نه عملی است و نه به مصلحت، زیرا تعیین و تفکیک قلمرو دقیق و روشن اعمال اجرایی و اعمال تقنینی اصولاً امکان‌پذیر نبوده و هر سه قوه، بخشی از حاکمیت ملی را در حوزه تخصصی خود اعمال می‌نمایند، حاکمیتی که ماهیت و جوهره آن واحد و یکسان است. هر یک از قوای سه‌گانه با ارکان حاکمیتی زیر مجموعه خود به صورت مکمل یکدیگر عمل نموده و کار همدیگر را در موضوعات مختلف تکمیل می‌نمایند و مصلحت نیز ایجاب می‌کند که رشته‌های طبیعی ارتباط میان نهادها قطع نشود. بدین‌سان، به جای سعی در تفکیک کامل قوا، نوعی همکاری قوا یا به تعبیر دیگر تفکیک نسبی بین آن‌ها برقرار می‌شود. (بوشهری، ۱۳۷۶: ۸۲ و نجفی‌اسفاد- محسنی، ۱۳۸۶: ۱۳۷). در زیر دو گونه رژیم ریاستی و پارلمانی که نمودار محسوس و ملموس دو برداشت فوق از نظریه توازن قوای منتسکیو است، بررسی خواهد شد:

## گفتار دوم: نظام ریاستی

نظام ریاستی نقطه مقابل نظام پارلمانی و حاصل تفکیک کامل قواست. شاخصه مهم آن، استقلال متقابل قوای مجریه و مقننه است؛ به این ترتیب که رئیس جمهور و اعضای پارلمان در دو انتخابات مجزا برگزیده می‌شوند و هیچ یک نمی‌تواند دوران تصدی دیگری را پیش از مواعد قانونی پایان دهد. نه پارلمان می‌تواند رئیس جمهور و وزرا را از طریق استیضاح از کار برکنار نماید و نه رئیس جمهور می‌تواند پارلمان را منحل کند. (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۵۴) انتخاب رئیس جمهور با رأی مردم به وی اعتبار و قدرت قابل توجهی اعطا نموده و پشتوانه‌ای مساوی با پارلمان به وی می‌بخشد. رئیس جمهور در انتصاب وزیران و همکارانش و عزل آن‌ها از آزادی عمل و اختیارات زیادی برخوردار است. بنابراین چون پارلمان در انتصاب وزیران نقشی ایفا نمی‌کند، آن‌ها در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی ندارند. در مقابل، به دلیل تفکیک ساختاری و کارکردی هر قوه، رئیس جمهور هم نمی‌تواند به پارلمان لایحه قانونی پیشنهاد کند و امر قانونگذاری در انحصار قوه مقننه است.

نظام سیاسی ایالات متحده امریکا نمونه بارز نظام ریاستی است. رئیس جمهور این کشور در یک فرایند خاص و غیرمستقیم انتخاباتی برای دوره تصدی چهار ساله انتخاب می‌شود. (الیورکامی، ۲۰۰۹: ۲) در حالی که اعضای مجلس نمایندگان برای مدت دو سال از سوی مردم انتخاب می‌شوند.<sup>۱</sup> در چنین نظامی، قوای سه گانه از نظر ساختاری کاملاً از هم تفکیک شده‌اند. قوه مجریه نمی‌تواند در امر قانونگذاری که در انحصار قوه مقننه است، مداخله نماید و چنانچه بین

۱. اصل اول بخش دوم قانون اساسی ایالات متحده امریکا:

«(۱) مجلس نمایندگان متشکل از اعضای است که مردم ایالت‌های مختلف هر دو سال یک‌بار آنان را انتخاب می‌کنند؛ و رأی دهندگان در ایالت باید از همان شرایط لازم برای رأی دهندگان ایالتی که مجلس آن ایالت بیشترین نماینده را دارد، برخوردار باشند.

(۲) هیچ‌کس تا زمانی که به سن بیست و پنج سالگی نرسد و هفت سال تبعه ایالات متحده نباشد، و در زمان انتخاب مقیم ایالتی که از آنجا انتخاب می‌شود نباشد، نمی‌تواند نماینده شود».

این دو قوه در موضوعات مهم کشوری اختلاف نظر اساسی بروز کند، از حق انحلال مجلس نیز برخوردار نیست. اما از سوی دیگر، رئیس‌جمهور با عنایت به برخورداری از حمایت مردمی و نمایندگی ملت در مقابل پارلمان پاسخگو نیست. البته انتصاب مقامات سیاسی توسط رئیس‌جمهور و با تأیید و موافقت مجلس سنا انجام می‌گردد، اما این امر بدان معنا نیست که وزرا در برابر مجلس سنا پاسخگو باشند.

اصولاً چنین نظامی نمی‌تواند در راستای تأمین منافع ملی و اعمال حاکمیت با جوهره واحد و تفکیک‌ناپذیر موفق عمل کند؛ به همین دلیل است که در نظام ریاستی ایالات متحده که نمونه کامل و الگوی چنین نظام‌هایی محسوب می‌شود و برخلاف استنباط رایج که آن را نمونه تفکیک کامل قوا می‌دانند، نویسندگان قانون اساسی این کشور در قرن هیجده میلادی به جای تلاش برای تفکیک مطلق قوا، نظام تعادل و کنترل قوا<sup>۱</sup> را تعبیه نموده‌اند.

در نظام کنترل و تعادل قوا ضمن آنکه قدرت و صلاحیت‌های حکومت بین سه قوه تقسیم می‌شود، هر یک از سه قوه، به نوعی قوای دیگر را کنترل و محدود می‌کند. در چنین نظامی رقابت میان قوای سه‌گانه و نظارت آن‌ها نسبت به یکدیگر نوعی موازنه و تعادلی بین آن‌ها ایجاد کرده و از تبدیل یکی از آن‌ها به قوه فائده‌جویی می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد در نظام سیاسی آمریکا، سه قوه از طریق نظام کنترل و تعادل قوا، قدرت حکومت را به اشتراک گذاشته‌اند و در واقع دولتی با قوای اشتراکی به وجود آمده است، تا یک دولت با قوای تفکیک شده. به عنوان مثال، رئیس‌جمهور با ارسال پیام سالانه به کنگره و نیز استفاده از حق وتوی تعلیقی نسبت به مصوبات قوه مقننه به طور غیرمستقیم در امر قانونگذاری مداخله می‌کند و مجلس سنا در انتصاب مقامات سیاسی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌نماید.

موافقان نظام ریاستی اعتقاد دارند که این نوع نظام، دارای ظرفیت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع مربوط بوده و در پاسخ به مسئله تناسب آن با نیاز دموکراسی‌های نوپا، امتیازات آن را به صورت زیر فهرست نموده‌اند؛

- تضمین ثبات قوه مجریه

- پاسخ‌گویی مستقیم قوه مجریه در قبال رأی‌دهندگان در مورد تصمیمات خود به‌ویژه خط‌مشی‌هایی که برای اداره امور در پیش می‌گیرد.

- در کشورهایی با نظام حزبی قوام نیافته و در نتیجه نبود ائتلاف‌های نیرومند حزبی، رئیس‌جمهور مقتدری لازم است تا در اختلافات شدید حزبی بین گرایش‌های مختلف سیاسی نقش داور ایفا نموده و مانع بروز وقفه در اداره امور کشور شود. (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۲۳۰)<sup>۱</sup>

در مقابل، مخالفان نظام ریاستی، معایب آن را به صورت زیر گوشزد می‌کنند:

- انحصارگرایی و ابتدای آن بر برد کامل یک طرف و باخت کامل طرف دیگر؛ و در نتیجه طرد برخی گروه‌های سیاسی، اجتماعی و قومی از حکومت و به مخاطره انداختن ثبات سیاسی نظام.

- افزایش قطب‌بندی‌های سیاسی و تضعیف نقش احزاب.

- ایجاد یک ساختار اجرایی فردمحور و تضعیف راه‌کارهای معطوف به تعامل و رایزنی سیاسی که در تصمیم‌گیری‌های دیپلماتیک اهمیت زیادی دارند.

- شکل‌گیری احتمالی اکثریت‌های متفاوت در قوای مقننه و مجریه در یک دوره زمانی که می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری سیاسی را فلج نموده و تعارض میان پارلمان و قوه مجریه را دامن زند. «این شرایط ممکن است به دلیل عدم تعامل و همکاری لازم بین قوای مقننه و مجریه، فعالان سیاسی را به تشویق شیوه‌های

۱. مطالب استفاده شده، برگردانی است از مقاله پروفیسور سیندی اسکچ، استاد دانشگاه هاروارد، که در شماره پنجم مجله بین‌المللی حقوق اساسی (سال ۲۰۰۷) منتشر شده است که مؤلف آن را در فصل سوم کتاب خود ترجمه کرده است. مشخصات دقیقتر این مقاله به شرح ذیل است:

Skach (Cindy), the newest separation of powers: semipresidentialism Int J Constitutional Law, 2007, N°5, pp. 93-121

اقتدارگرایانه حل تعارض سوق دهد که در نهایت ممکن است تا دخالت نظامیان در امور سیاسی نیز پیش رود».

- انعطاف‌ناپذیری نظام ریاستی و در نتیجه عدم توانایی آن به اتخاذ اقدامات به هنگام و متناسب با تغییر شرایط و اوضاع و احوال.

- فراهم نمودن بستر ظهور برخی رذایل اخلاقی در جامعه مانند: تملق‌گویی، فردمحوری

و تنزل شأن و کرامت انسان‌ها با اطاعت محض خواستن از ایشان. (همان: ۲۳۱)

### گفتار سوم: نظام پارلمانی

نظام پارلمانی نتیجه برداشت دیگری از نظریه تفکیک قوای منتسکیو به شمار می‌رود. از این رویکرد به «تفکیک نسبی قوا»، «همکاری قوا» و «ارتباط بین قوا» تعبیر شده است و منظور از آن تفکیک و تخصیص مناسب وظایف و کارکردهای دولت به گونه‌ای است که هر یک از قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه، وظایف تخصصی خود را بر عهده گرفته و در قلمرو فعالیت تخصصی قوای دیگر مداخله ننماید. این مفهوم به شیوه‌های متفاوتی در قوانین اساسی کشورها تجسم یافته است.

در قالب تفکیک نسبی قوا، دو قوه مقننه و مجریه از نظر ساختاری و تشکیلاتی از یکدیگر متمایزند اما با تمهیدات حقوقی و سیاسی به هم پیوند می‌خورند و در عین تمایز اندامی، کلیت حاکمیت ملی را نمایندگی و اعمال می‌کنند. به عبارت دیگر، نظام پارلمانی، نظامی نیست که در آن پارلمان حکومت می‌کند، بلکه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به دولت تفویض می‌شود اما دولت ملزم است با جلب رضایت پارلمان عمل نماید. تفکیک دو قوه مقننه و مجریه در نظام پارلمانی به گونه‌ای نیست که دستگاه‌های حاکمیتی و وظایف محوله کاملاً از یکدیگر منفصل و متمایز و به هر کدام حصه‌ای از حاکمیت ملی تفویض شده



باشد و آنها بی توجه به حدود اختیارات و مأموریت‌های یکدیگر انجام وظیفه نمایند. دو قوه مقننه و مجریه نه به شکل تخصصی، بلکه با همکاری و مشارکت یکدیگر در حیطه‌های تقنینی و اجرایی اقدام می‌کنند و به عبارت دیگر، در حیطه انجام وظایف هر یک از قوا نقاط مشترکی وجود دارد که طبق قانون حد و مرز اختیارات هر یک مشخص می‌شود. البته دولت زیر نظارت سیاسی پارلمان قوانین را اجرا می‌کند و چنانچه پارلمان از عملکرد دولت نارضایتی جدی داشته باشد، با رأی عدم اعتماد آن را ساقط می‌کند. با این وجود، در نظام‌های پارلمانی دولت از حمایت سیاسی اکثریت پارلمانی برخوردار بوده و اغلب وزرا از بین اعضای حزب حاکم منصوب می‌شوند. (p, cequeleregimeparlementaire-Quest, Mathieu).

افزون بر موارد فوق، هر کدام از قوا دارای ابزار و امکاناتی برای نظارت و تأثیر بر یکدیگرند. این ابزارهای نظارتی به گونه‌ای تعبیه شده است که ضمن آن که انجام وظایف مشترک از سوی دو قوه مقننه و مجریه را تسهیل می‌نماید، به عنوان مانعی برای زیاده‌خواهی و تمرکز قدرت در یک قوه عمل می‌کند. قوه مقننه حق دارد از طریق استیضاح وزرا و عدم رأی اعتماد به دولت زمینه سقوط آن را فراهم نماید و در مقابل و برای حفظ توازن قوا بین آنها، قوه مجریه هم می‌تواند پارلمان را منحل نموده و انتخابات پیش از موعد پارلمانی را برگزار نماید. در این صورت مردم در واقع بین دو قوه داوری نموده و به نفع اکثریت پارلمانی و یا دولت رأی می‌دهند. بنابراین، در نظام پارلمانی ملت به عنوان بازیگر فوق‌العاده در بحران‌های سیاسی مداخله می‌کند. (ماتیو، ۲۰۰۸: ۲) آنچه بیش از همه نظام‌های پارلمانی و ریاستی را از یکدیگر متمایز می‌کند، قواعدی است که هر کدام برای تشکیل قوه مجریه و پایان کار آن تعیین کرده‌اند. شاخصه نظام پارلمانی این است که عالی‌ترین مقامات قوه مجریه توسط پارلمان انتخاب می‌شوند. نخست‌وزیر (صدراعظم) منتخب پارلمان است و برای تشکیل دولت و بقای آن نیاز به رأی اعتماد قوه مقننه دارد. رئیس‌جمهور یا پادشاه در این نظام

قدرت چندانی ندارد و بیشتر به عنوان نماد حاکمیت دولت تلقی می‌شود. با مسامحه می‌توان گفت مهم‌ترین اختیار او دعوت از رهبر حزب اکثریت برای تشکیل دولت است. بنابراین، در نظام تفکیک نسبی قوا هرچند که اراده عموم به یک‌باره اعمال می‌گردد ولی به تدریج و از طریق انتقال قدرت از یک نهاد منتخب به نهاد یا اشخاص دیگر ظاهر می‌گردد. (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۵۶)

هواداران نظام پارلمانی، فهرستی از مزیت‌های آن را ارائه می‌دهند؛

- فراگیرتر از نظام ریاستی است.
- امکان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی و به‌ویژه اقلیت‌های قومی در عرصه سیاست در آن وجود دارد.
- انعطاف‌پذیری بیشتر و در نتیجه تغییر و جابجایی آسان‌تر در رکن اجرایی حکومت وجود دارد.
- زمینه مساعدتری را برای سازگاری با چالش‌های سیاسی و اجتماعی پیش روی کشورها فراهم می‌نماید.
- امکان ایجاد برخی نهادها و رویه‌های دموکراتیک؛ مانند ائتلاف‌های سیاسی، اپوزیسیون، مذاکرات و سازش را توسعه می‌دهد.
- از این‌رو نتیجه می‌گیرند که نظام پارلمانی با شرایط گذار مناسب‌تر است. (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

ولی مخالفان هم به نوبه خود کاستی‌های نظام پارلمانی را یادآور می‌شوند:

- ایجاد دولت‌های ضعیف و کم‌ثبات که خود موجب سردرگمی و بی‌ثباتی سیاسی می‌شود؛
- به دلیل توزیع و پراکندگی مسئولیت‌ها بین شمار انبوهی از نهادها و بازیگران سیاسی، فاقد یک سامانه شفاف پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری می‌باشد.
- در درون احزاب، به‌ویژه در کشورهای فاقد نظام حزبی انشعاب ایجاد می‌کند و سبب تبدیل شدن پارلمان به عرصه کشمکش فراکسیون‌ها می‌شود. (همان: ۲۳۰)

- سبب ایجاد حکومت کابینه و دیکتاتوری منتخبین مردم با توجه به هماهنگی کامل دولت برخاسته از پارلمان در کشورهای با نظام دو حزبی مانند انگلستان می‌شود.

نقدهای وارد بر دو نظام مذکور به تدریج اندیشمندان و نویسندگان قوانین اساسی را بر آن داشت تا عناصر نظام‌های ریاستی و پارلمانی را با هم درآمیزند و نظام جدیدی را از آن استخراج کنند که می‌توان از آن به نظام نیمه‌ریاستی یاد کرد:

#### گفتار چهارم: نظام نیمه‌ریاستی

نوع سوم از نظام‌های سیاسی که از آمیختگی عناصر اصلی نظام‌های ریاستی و پارلمانی به وجود می‌آید، به نظام نیمه‌ریاستی یا نیمه‌پارلمانی موسوم است. در این نظام قوه مجریه دو رکنی است. رئیس‌جمهور به صورت مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود و در برابر پارلمان مسئولیت ندارد. اختیارات وی نسبت به رئیس‌جمهور منتخب پارلمان در نظام‌های پارلمانی گسترده‌تر است زیرا از یک‌سو، نقش ریاست کشور و رهبری ملت را بازی می‌کند و از سوی دیگر، در برخی امور اجرایی دخالت می‌نماید. همچنین وی به عنوان میانجی و حکم، مسئولیت تنظیم روابط قوا و حل اختلاف بین آن‌ها را برعهده دارد. ولی نخست‌وزیر و هیأت دولت با رأی اعتماد پارلمان مشروعیت یافته و در صورت از دست دادن اعتماد نمایندگان ساقط می‌شوند. افزون بر آن، دولت از نظر سیاسی هم در برابر پارلمان و هم در برابر رئیس‌جمهور مسئولیت دارد.

ویژگی دیگر این نظام تفکیک اختیارات سیاست‌گذاری و اجرایی بین دو رکن قوه مجریه یعنی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر است. البته حدود اختیارات این دو همیشه به طور دقیق مشخص نیست و همین مسئله یکی از عوامل تنش‌زای نظام نیمه‌ریاستی به‌شمار می‌رود. برای مثال در اصول ۱۵ و ۲۱ قانون اساسی فرانسه راجع به سیاست‌های دفاعی، هم برای رئیس‌جمهور و هم نخست‌وزیر اختیارات

و وظایفی مقرر شده است، بدون آنکه قلمرو اختیارات هر یک به صورت دقیق مشخص شده باشد.

به غیر از جمهوری وایمار آلمان که نظام نیمه ریاستی را در سال‌های (۱۹۱۹-۱۹۳۳) تجربه کرد، نمونه بارز این نوع نظام سیاسی در جمهوری پنجم فرانسه در سال ۱۹۵۸ میلادی شکل گرفت و در دهه ۱۹۹۰ میلادی بیشتر کشورهای کمونیستی پیشین با الهام از جمهوری پنجم فرانسه این الگوی حکومتی را برای کشور خود برگزیدند. تا مدتی متخصصان حقوق اساسی نظام نیمه ریاستی را صرفاً به صورت ترکیبی از عناصر و ویژگی‌های نظام‌های پارلمانی و ریاستی معرفی می‌کردند. اما موریس دوورژه، اندیشمند فرانسوی، در دهه ۸۰ میلادی با ارائه تحلیلی جدید از جمهوری پنجم فرانسه، آن را یک نظام سیاسی جدید نامید، اصطلاح نظام نیمه ریاستی<sup>۱</sup> را برای توصیف آن ابداع کرد. (جوینس لینز، ۱۹۹۶: ۲۷۸) و سه ویژگی بارز زیر را درباره آن بیان نمود:

- ۱- انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور با آرای عمومی
  - ۲- اختیارات نسبتاً قابل توجه رئیس‌جمهور
  - ۳- وجود هیئت دولت در کنار رئیس‌جمهور به عنوان رکن دوم قوه مجریه و مسئولیت آن در قبال پارلمان. (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۲۳۳)
- از میان این ویژگی‌ها شاید اختیارات فوق‌العاده رئیس‌جمهور مشخصه اصلی نظام نیمه ریاستی محسوب می‌شود؛ اختیاراتی مانند حق انحلال پارلمان، قانون گذاری مستقیم در مواقع حساس و یا ارجاع مصوبات پارلمان به همه‌پرسی و به ویژه حق استفاده از اختیارات فوق‌العاده در شرایط اضطراری که حتی در برخی از نظام‌های ریاستی وجود ندارد.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر نظرات موریس دوورژه ر.ک به:

Duverger M., Les Régimes Semi- présidentiels, Puf. 1986.

۲. درباره اختیارات و کارکردهای رئیس‌جمهور فرانسه ر.ک به: کاترین الیوت و کاترین ورنون، نظام حقوقی فرانسه، مترجم: صفر بیگزاده، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۴۱-۴۹.

در نظام نیمه‌ریاستی شیوه تنظیم روابط بین قوا و تمایل آن به سمت ریاستی یا پارلمانی کاملاً از نظام حزبی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، در دوره‌ای که اکثریت پارلمانی از همان حزب یا گرایش سیاسی رئیس‌جمهور است، وجه ریاستی این نوع نظام سیاسی برجسته می‌شود و رئیس‌جمهور یکی از نزدیکان خود در حزب حاکم را برای تشکیل دولت مأمور می‌کند. اما در دوره‌ای که رئیس‌جمهور به لحاظ سیاسی به حزب اقلیت تعلق دارد، مجبور است از رهبر حزب پیروز در انتخابات پارلمانی برای تشکیل دولت دعوت به عمل آورد. در این دوره که از آن به «هم‌زیستی سیاسی»<sup>۱</sup> تعبیر شده است، حکومتی با گرایش‌های مختلف سیاسی بخش‌هایی از حاکمیت را اعمال می‌نماید و در عمل با مشکلات حادی در پیشبرد برنامه‌ها مواجه می‌شود. در ذیل به حالت‌های متصور در این نظام بیشتر پرداخته خواهد شد.

### مبحث اول: قوه مجریه یکدست و هماهنگ

چنانچه اکثریت نمایندگان پارلمان و به تبع آن نخست‌وزیر و دولت از حزب رئیس‌جمهور باشند، قوه مجریه از نظر سیاسی یکدست شده و به سمت نظام ریاستی سوق پیدا می‌کند و رئیس‌جمهور می‌تواند با استفاده از تمام اقتدارات قانونی و عرفی خود برنامه‌های مورد نظرش را به اجرا بگذارد و در واقع فراتر از حدود اختیارات مصرح خود در قانون اساسی امور سیاسی را مدیریت می‌کند. از نظر کاهش تعارض، بهترین وضعیت ممکن در نظام نیمه‌ریاستی همین وضعیت انسجام بین دو رکن قوه مجریه است؛ زیرا علاوه بر هماهنگی درونی قوه مجریه، رئیس‌جمهور با پارلمان هم تقابل پیدا نمی‌کند و دلیلی برای استفاده از اختیارات فوق‌العاده خود برای محدود کردن آن و یا اجرای سیاست‌های مورد نظر خود از راه‌های غیرمعمول نمی‌بیند.

1. Cohabitation.

عدم مسئولیت سیاسی رئیس‌جمهور در مقابل پارلمان به دلیل انتخاب مستقیم وی از سوی مردم موجب می‌شود رئیس‌جمهور به اتکای آرای عمومی بتواند جهت‌دهی سیاست‌های کلان کشور را تعیین نموده و با اعطای ابزارهای لازم، دولت را مأمور اجرای آن‌ها نماید.<sup>۱</sup> برخورداری از اختیارات ویژه این امکان را به رئیس‌جمهور می‌دهد تا در مواقع ضرورت اقدامات لازم را برای پیشبرد امور اتخاذ کند و حتی در موارد مهم به قانون‌گذاری مبادرت نماید (مانند دوره ریاست‌جمهوری شارل دوگول در فرانسه).<sup>۲</sup> در چنین شرایطی رئیس‌جمهور می‌تواند با تشکیل کابینه‌های غیرحزبی با ترکیب حامیان نزدیک و کاملاً مطیع فرمان خود، تأثیرگذاری احزاب را در حکومت کاهش دهد. با این وجود، «در برخی کشورها مانند فرانسه دادگاه ویژه‌ای پیش‌بینی شده است که در چنین مواقعی می‌تواند تصمیمات رئیس‌جمهور راجع به انتخاب وزرا یا احکامی را که وی در حالت ضرورت صادر نموده است را باطل اعلام کند؛ کما اینکه پارلمان نیز قانوناً حق دارد با سانسور هیئت دولت و رأی عدم اعتماد، کابینه را ساقط نماید، ولی باید توجه داشت که اولاً رئیس‌جمهور در تعیین اعضای دادگاه ویژه بی‌تأثیر نیست و ثانیاً اختیار انحلال پارلمان حربه مؤثری برای جلوگیری از سانسور

۱. فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۹۹۵، در خصوص سیاست‌گذاری عمومی اعلام نموده است: من اولین مسئول در قبال سیاست‌گذاری جمهوری فرانسه می‌باشم و «سیاست‌های اداره کشور را من شخصاً تبیین نموده‌ام و اعمال سیاست‌ها تحت اقتدار و قدرت من انجام شده است.» (لویی تروتا و پل ایزو آر، ۱۳۸۰، ص ۵۶). ژنرال دوگل نیز در کتاب خاطرات نوید بخش، چنین می‌نویسد: «رئیس‌جمهور اهدافی را که باید حکومت به آن دسترسی یابد تنظیم می‌نماید و ابزار لازم اجرایی را برای نیل به اهداف مزبور به هیات دولت واگذار می‌نماید.» (همان: ۵۶).

۲. به موجب اصل شانزده قانون اساسی فرانسه: «هر گاه نهادهای جمهوری، استقلال ملی، تمامیت ارضی، و یا اجرا تعهدات بین‌المللی در موارد مهم و اضطراری در معرض مخاطره قرار گیرند و روند عادی و قوای حاکمه مختل گردد، رئیس‌جمهور تصمیمات مقتضی را پس از مشورت رسمی با نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس شورای نگهبان قانون اساسی اتخاذ می‌نماید. رئیس‌جمهور از طریق اعلامیه مردم را در جریان امور قرار می‌دهد. این تصمیمات می‌باید به گونه‌ای باشد که قوای حاکمه بتواند در کوتاه‌ترین زمان وظایف محوله را در مجرای طبیعی خود انجام دهند. شورای قانون اساسی در این خصوص مورد مشورت قرار خواهد گرفت. در چنین موقعیتی مجلسین مکلف به تشکیل جلسه می‌باشند. مجلس شورای ملی را نمی‌توان در زمان اعمال اختیارات فوق‌العاده مذکور در این ماده منحل نمود.»

دولت به دست او می دهد.» (همان: ۲۳۳)

### مبحث دوم: قوه مجریه ناهماهنگ در دوره همزیستی سیاسی

هنگامی که رئیس جمهور و رئیس مجلس و در نتیجه دولت از احزاب مختلف بوده و گرایش های سیاسی متفاوتی داشته باشند و اکثریت حزبی پارلمان با سیاست های رئیس جمهور موافق نباشد، نظامی مستقر می گردد که به آن «همزیستی سیاسی» گفته می شود. در این وضعیت چون حکومت یکدست نیست، مشکلات متعددی بوجود می آید. زیرا رئیس جمهور در این حالت ممکن است با مقاومت اکثریت پارلمان در پیش برد برنامه های خود روبه رو شود و بخواهد با استفاده از اختیارات فوق العاده، موانع پیش رو را از میان بردارد. در این حالت نظام سیاسی به نظام پارلمانی نزدیک تر می شود.

بدترین حالت متصور در نظام نیمه ریاستی که هم در جمهوری وایمار و هم در کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی تجربه شده است، این است که در انتخابات پارلمانی هیچ یک از احزاب سیاسی اکثریت آرا را به دست نیاورند. در این صورت نه تنها رئیس جمهور از حمایت اکثریت نمایندگان برخوردار نخواهد بود، بلکه تشکیل دولت منوط به ائتلاف احزاب در پارلمان است. بدیهی است که دولت های ائتلافی از ثبات سیاسی و قدرت تصمیم گیری در موضوعات مهم و اختلافی برخوردار نیستند و ناهماهنگی بین احزاب در مسائل حساس به مشکلات عدیده ای دامن می زند. «همچنین سقوط پی در پی کابینه ها مدیریت کشور را مختل و رئیس جمهور را وادار به توسل به مقررات حالت ضرورت و صدور فرمان های ویژه می کند. در مواردی مثل کشورهای اروپای شرقی که ضرورت تصویب سریع مقرراتی جهت اصلاحات اقتصادی محسوس است، افکار عمومی هم از اقتدارگرایی رئیس جمهور پشتیبانی می کند.» (همان، ص ۲۳۵).

### مبحث سوم: پیش شرط‌های کاهش تعارضات درونی در نظام نیمه‌ریاستی

در نظام‌های نیمه‌ریاستی به منظور کاهش احتمال تعارضات درونی نظام، باید دو پیش‌زمینه فراهم شود: نخست آن‌که در انتخابات پارلمانی حزب واحد یا ائتلافی از احزاب همسو بتواند اکثریت نیرومندی در مجلس تشکیل دهد. «تحقق این شرط، علاوه بر جلب حمایت و اعتماد مردم از جانب احزاب، مستلزم کاربست نظام انتخاباتی اکثریتی است». دیگر آنکه، نظام حزبی در کشور استقرار یافته و احزاب در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شوند. در غیر این صورت کشمکش‌های دائمی بین گروه‌های مختلف سیاسی در پارلمان و قوه مجریه، کشور را به بی‌ثباتی می‌کشاند و این امر تهدید جدی برای بنیاد دموکراسی محسوب می‌شود. (همان، ص ۲۳۶)

نظام سیاسی فرانسه که الگوی نظام نیمه‌ریاستی محسوب می‌شود، از تأسیس جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۸ میلادی تا اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ به دلیل عدم شکل‌گیری نظام حزبی سازمان‌یافته و اکثریت حزبی نیرومند در پارلمان با وجود اعمال نظام انتخابات اکثریتی، گرفتار بی‌ثباتی سیاسی بود. ژنرال دوگل، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، که با مشکل ائتلاف احزاب و گرایش‌های متفاوت سیاسی نمایندگان مواجه شده بود، با استناد به اصول قانون اساسی اختیارات پارلمان را محدود نمود و در سال ۱۹۶۱ در واکنش به ناآرامی‌های الجزایر، با اعمال اختیارات فوق‌العاده موضوع اصل ۱۶ قانون اساسی، فرمان‌های متعددی صادر کرد و در برابر طرح استیضاح دولت از سوی پارلمان در سال ۱۹۶۲، مجلس ملی را منحل نمود.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۶ نیز دوباره نظام نیمه‌ریاستی در فرانسه، دوره همزیستی سیاسی را تجربه کرد و رئیس‌جمهور وقت (ژاک شیراک از جناح راست) با نخست‌وزیری از جناح چپ در مسایل مهمی مانند اصلاحات قضایی

۱. برای مطالعه بیشتر در باره نظام سیاسی فرانسه و تحولات آن رک به: تروتایا لویی و ایزو آر پل، حقوق عمومی، ترجمه دکتر محسن شیخ‌الاسلامی، انتشارات کوشا مهر، ۱۳۸۰.



اختلاف نظر جدی پیدا کرد و این امر به وقفه در امور و تصویب قوانین مربوط انجامید. در نهایت، از انجام اصلاحات قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۴ میلادی برای کاهش دوره ریاست جمهوری به ۵ سال و اصلاحات سال ۲۰۰۸<sup>۱</sup> در این قانون برای تنظیم مجدد روابط قوای مقننه و مجریه و نیز روابط رئیس جمهور و نخست‌وزیر که بیانگر چالش‌های نظام دو رکنی و برخوردهای میان پارلمان و دولت در توزیع و تقسیم قدرت و امر نظارت است، می‌توان فهمید که فرانسه در جهت تعدیل نظام نیمه‌ریاستی گام برمی‌دارد.

در فدراسیون روسیه نیز در عمل از سال ۱۹۹۱ نظام نیمه‌ریاستی شکل گرفت. اما در نتیجه نظام انتخاباتی مختلط روسیه<sup>۰</sup> با غلبه‌ی نظام تناسبی<sup>۰</sup> اکثریت حزبی نیرومندی به وجود نیامده است و بلکه احزاب از انتخاباتی تا انتخابات دیگر تغییر نام داده و حتی در ائتلاف با یکدیگر نیز دچار مشکل هستند. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور به استناد قانون اساسی از اختیارات اجرایی فوق‌العاده خود استفاده نموده و نهادهای دولتی را تحت امر خود درآورده است. در سال ۱۹۹۳ با اعمال زور پارلمان را منحل و مطبوعات را سانسور و به علاوه اختیارات دادگاه قانون اساسی را محدود ساخت و اصلاحیه قانون اساسی مبنی بر افزایش اختیارات رئیس‌جمهور را به تأیید مردم رسانید. در حال حاضر اگر چه قانون اساسی جدید روسیه وضعیت باثبات سیاسی را به ارمغان آورده است اما با محدودسازی فوق‌العاده عرصه سیاست، تمرکزگرایی شدید دولت و تسلط تقریباً تمام عیار رئیس‌جمهور بر نظام سیاسی کشور همراه شده است. (همان، ص ۲۴۳)

### گفتار پنجم: تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مثابه منشور ملی، نظام تفکیک قوا را

۱. در خصوص اصلاحات سال ۲۰۰۸ قانون اساسی فرانسه ر.ک به:

[www.comite-constitutionnel.fr/accueil/index.php](http://www.comite-constitutionnel.fr/accueil/index.php).

به طور نسبی و به شیوه خاص متناسب با محتوای خود و جهت نظم و پیش‌برد بهتر امور پذیرفته است. البته قانون اساسی در اصل پنجاه و هفتم از واژه استقلال قوا با قید زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت، استفاده می‌کند و این امر بیانگر آن است که هدف از استقلال قوا، نه تفکیک ساختاری بلکه تسهیل در انجام امور و تقسیم وظایف بر اساس اصل تخصص‌گرایی بوده است.

### مبحث اول: استقلال قوا در نظام جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که «نهی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» را یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی اعلام داشته است (اصل دوم ق.ا.ج.ا.)، نمی‌توانست نسبت به تمرکز قدرت و بیم سوء استفاده از آن بی‌تفاوت باشد. اما با توجه به این که ترتیبات دیگری در نظام اسلامی برای جلوگیری از استبداد حکومت وجود دارد، تفکیک قوا در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی بیشتر به صورت تقسیم کار و استقلال اندامی قوا نمود یافته است:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردد. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

### بند اول: نظارت و ولایت رهبری بر قوای سه‌گانه

در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقام رهبری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. «در هر یک از رژیم‌های حکومتی شخصی با عنوانی خاص در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد. این شخص در حکومت‌های سلطنتی شاه و در رژیم‌های جمهوری رئیس‌جمهور است. در

جمهوری اسلامی ایران این شخص عنوان رهبر دارد.» (مدنی، ۱۳۷۴: ۲۴۹) به لحاظ برخورداری از شرایط و صفات خاصی چون علم، عدالت و تقوی، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت و مدیریت به تشخیص نمایندگان مجلس خبرگان (اصل یکصد و نهم ق.ا.ج.ا.)، مقام رهبری مدیریت جامعه اسلامی و ریاست کشور را بر عهده دارد. با اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی تفکیک قوا را پذیرفته است، اما به موجب اصول یکصد و هفتم و یکصد و نهم ولایت امر و رهبری امت اسلامی بر عهده ایشان است و بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قوای سه گانه که مستقل از یکدیگرند، «زیر نظر ولایت امر و امامت امت ... اعمال می گردند». در واقع، رهبر به عنوان مقام «حاکم» بر کل امور و شئون کشور نظارت، اشراف و سلطه همه جانبه (تشریحی، تنفیذی و قضایی) دارد.» (هاشمی، ۱۳۸۵: ۸)

مقام رهبری اختیارات و مسئولیت‌های مهمی را بر عهده دارد که ناشی از ولایت مطلقه امر است. علاوه بر اختیار نصب و عزل برخی از عالی‌ترین مقامات کشوری و لشکری، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، صدور فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل قوا و اعلان جنگ و صلح، حل معضلات نظام، امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم و عزل وی پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی، و نیز حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه از جمله اختیارات و وظایف مصرح رهبر در قانون اساسی اعلام شده است (اصل یکصد و دهم ق.ا.ج.ا.). اقتدارات وسیع مقام رهبری در بادی امر تمرکز بیش از حد قدرت را در یک مقام به ذهن متبادر می‌کند که با فلسفه و هدف از تفکیک قوا سازگاری ندارد. اما با عنایت به اینکه قانون اساسی یکی از اصول بنیادین خود را نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اعلام نموده است، نظارت مجلس خبرگان

بر نحوه انجام وظایف قانونی توسط مقام رهبری و شرایط و صفاتی که برای برخورداری از ولایت امر لازم دانسته شده است، مجموعاً ترتیباتی به شمار می‌روند که مانع از استبداد و سوء استفاده از قدرت می‌شود. به ویژه آنکه دو صفت تقوا و عدالت دو ملکه درونی هستند که مانع هرگونه استبداد رأی خواهند شد.

#### بند دوم: استقلال قوا و روابط متقابل آن‌ها

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفکیک قوا را به صورت استقلال ساختاری و کارکردی قوا طراحی نموده است و به موجب آن هر یک از قوای سه‌گانه با عنایت به تقسیم مسئولیت‌ها، در قلمرو اختیارات و وظایف یکدیگر دخالت نداشته و سازمان‌هایی تخصصی متناسب با وظایف محوله تشکیل داده‌اند. قانون اساسی ضمن تصریح به استقلال سه قوه، ضرورت همکاری و تعامل آن‌ها برای انجام صحیح وظایف و تأمین اهداف نظام را از نظر دور نداشته و ارتباط و پیوند متقابل آن‌ها را مقرر کرده است.

#### الف- نقش قوه قضائیه در قوه مجریه

قانون اساسی در موارد متعددی قوه قضائیه را به نحوی ناظر بر نهاد ریاست جمهوری قرار داده است.

س حقوقدان‌های شورای نگهبان معرفی شده از طرف رئیس قوه قضائیه به مجلس، در تأیید صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری اعلام نظر می‌نمایند.

س رئیس‌جمهور و سایر کارگزاران دولت از هیچ‌گونه مصونیت قضایی برخوردار نیستند. «رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور، معاونان وی و وزیران در مورد جرایم عمومی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری

انجام می‌شود» (اصل یک‌صد و چهل و چهارم ق.ا.ج.ا.). ولی در موضوع تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی، دیوان عالی کشور رسیدگی می‌کند که ممکن است با در نظر گرفتن مصالح کشور به عزل رئیس جمهور از سوی رهبری منجر گردد. (اصل یک‌صد و دهم)

س رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان در ابتدا و انتهای دوره خدمت، از جانب قوه قضائیه صورت می‌پذیرد. (اصل یک‌صد و چهل و دوم)

س قوه قضائیه مکلف است از اجرای آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولتی در مواردی که مخالف با قوانین و موازین شرع و یا خارج از اختیارات قوه مجریه تشخیص داده شود، خودداری کند و دیوان عدالت اداری اختیارات وسیعی در مقابل تصمیمات مقامات اجرایی در سطوح مختلف یا آیین‌نامه‌های اداری اعمال می‌نماید (اصول یک‌صد و هفتادم و یک‌صد و هفتاد و سوم)

س سازمان بازرسی کل کشور نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری اعمال نظارت می‌کند و در حدود اختیارات قانونی خود، وزارتخانه‌ها و مؤسسات و نهادهای دولتی را بازرسی می‌نماید. (اصل یک‌صد و هفتاد و چهارم)

س انتخاب وزیر دادگستری هم از جانب رئیس جمهور باید از بین پیشنهادشدگان از طرف رئیس قوه قضائیه باشد.

#### ب- نقش قوه مجریه در قوه مقننه

در نظام جمهوری اسلامی ایران مجلس در رأس امور بوده و قوه مجریه بر آن اقتدار و نفوذ خاصی ندارد. با این حال، در مواردی قوه مجریه بر مجلس اعمال نفوذ می‌کند:

س حق شرکت رئیس جمهور، معاونین او و وزیران، به اجتماع یا به انفراد در

جلسات علنی مجلس حتی به همراه مشاوران خود، بیان دیدگاه‌ها و دفاع از برنامه‌های دولت (اصول هشتاد و هشتم و یک‌صد و سی و سوم) س ابتکار تهیه لوایح تخصصی و درج برنامه‌ها و اعمال نیت خود در آن (اصل هفتاد و چهارم)

س حق رئیس‌جمهور نسبت به پیشنهاد توقف انتخابات در سراسر کشور یا نقاط اشغال شده در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور برای مدت معین (اصل شصت و هشتم).

س حق قوه مجریه نسبت به وضع آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مستقل و آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین (اصل یک‌صد و سی و هشتم).

### ج- نقش قوه مقننه در قوه مجریه

مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی جایگاه خاصی در بین قوای سه‌گانه دارد و به عنوان مظهر حاکمیت ملی نقش نظارتی بارزی بر قوه مجریه ایفا می‌نماید.

س هیأت وزیران و نیز هر یک از وزیران برای رسمیت یافتن و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرند (اصول هشتاد و هفتم و یک‌صد و سی و سوم)

س رئیس‌جمهور و وزیران در برابر مجلس مسئولند (اصول یک‌صد و بیست و دوم و یک‌صد و سی و هفتم). نمایندگان مجلس از حق تذکر، سؤال و استیضاح اعضای قوه مجریه برخوردارند و در صورت استیضاح، مجلس می‌تواند وزیران را عزل و برای رئیس‌جمهور رأی عدم اعتماد اعلام نماید (اصول هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم).

س «مجلس شورای اسلامی بر کارهای دولت نظارت استصوابی و نظارت مالی اعمال می‌نماید.» (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۱)

س حدود اختیارات وزیران را قانون معین می‌کند و هر یک از آنها در برابر مجلس در قبال وظایف خاص خویش مسئولیت انفرادی و در قبال مصوبات هیئت وزیران مسئولیت جمعی دارند (اصول یکصد و سی و سوم و یکصد و سی و هفتم).

#### د- تصمیمات مشترک رؤسای سه قوه

رؤسای سه قوه در برخی از موارد به صورت مشترک تصمیم می‌گیرند. از جمله در شورای عالی امنیت ملی، شورای بازنگری قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... (مدنی، ۱۳۷۳: ۱۵۹)

#### مبحث دوم: ایرادات وارده بر نظام تفکیک قوا در جمهوری اسلامی

##### الف- دوره قبل از بازنگری قانون اساسی

وجود دو مقام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در نظام نیمه‌ریاستی و تعیین حدود اختیارات آن دو یکی از عوامل تنش‌زای این نظام است. قانون اساسی سال ۱۳۵۸ ایران نیز دارای همین مشکل بود؛ چراکه اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گزارده شده بود، از طریق رئیس‌جمهور و دولت (نخست‌وزیر) اعمال می‌گردید به ترتیبی که دو نهاد «ریاست‌جمهوری» و «دولت» مجزای از یکدیگر بودند. این ترتیبات هم از لحاظ تفکیک و تداخل صلاحیت‌های دو نهاد و هم از نظر سلسله مراتب بین آنها مشکلاتی را به بار آورده بود:

۱- رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شد و در واقع نمایندگی مردم در سراسر کشور را بر عهده داشت و مانند مجلس به اصطلاح مظهر حاکمیت ملی محسوب می‌شد. اما علی‌رغم این موقعیت مردمی و مرتبت سیاسی (عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، مسئول تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه) در اداره قوه مجریه نقش قابل‌توجهی نداشت.

۲- نصب و عزل اعضای قوه مجریه منوط به پیشنهاد (در مورد نخست‌وزیر)

و موافقت رئیس جمهور بود اما همین که اعضای مذکور به مجلس معرفی می شدند، رئیس جمهور کمترین اختیاری در امور آنان نداشت. در واقع ریاست قوه مجریه عملاً از وی سلب شده بود و جز در مورد موافقت با عزل وزیران اختیار دیگری نداشت و هر یک از وزیران تنها در برابر مجلس مسئول بودند (اصول یکصد و بیست و چهارم، یکصد و سی و سوم و یکصد و سی و ششم). ترتیبات این چنینی با اصول مدیریت آن هم در عالی ترین سطح مدیریت اجرایی مغایر بود.

۳- ریاست هیئت وزیران با نخست وزیر بود و هم او بر کار وزیران اعمال نظارت می نمود (اصل یکصد و سی و چهارم ق.ا. سال ۵۸). بدین ترتیب قانون اساسی نظارت بر کار وزیران را از مقام مافوق آنان یعنی رئیس جمهور سلب کرده بود و اعضای دولت در انجام وظایف خاص خود، کاملاً مستقل از رئیس جمهور عمل می کردند. از سوی دیگر، نخست وزیر علی رغم نظارت بر وزیران، در هنگام ناهماهنگی بین او و هر یک از وزرا به تنهایی و بدون موافقت رئیس جمهور قادر به عزل وی نبود. این وضعیت گاهی به بن بست سیاسی منجر می شد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۶۰)

#### ب- دوره بعد از بازنگری قانون اساسی

ایرادات پیش گفته سبب شد که در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ برخی از مشکلات پیش رو در تنظیم روابط قوای سه گانه و نیز در روابط بین دو رکن قوه مجریه حل شود. اما کیفیت تنسيق و تنظیم روابط قوا همچنان با چالش هایی همراه است. برخی از این مشکلات در روابط بین دولت دهم و مجلس هشتم به ویژه در سال ۱۳۹۰ به خوبی خود را نشان داد، به گونه ای که مقام معظم رهبری نیز از احتمال بازنگری در قانون اساسی و تأمل در ایجاد نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی سخن به میان آوردند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران مقام رهبری با برخورداری از جایگاه ویژه



(ولایت امر و امامت امت) و مقبولیت مردمی (منتخب غیر مستقیم)، عالی ترین مقام رسمی کشور محسوب می شود که قوای سه گانه زیر نظر ایشان انجام وظیفه می نمایند. به موجب اصل یک صد و دهم قانون اساسی، «تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «نظارت بر حسن اجرای» این سیاست ها از جمله اختیارات مقام رهبری است. مقام معظم رهبری در اعمال این اختیار، سند چشم انداز بیست ساله نظام را تهیه و ابلاغ فرمودند و مقرر گردید که برنامه های پنج ساله دولت بر مبنای آن تهیه و اجرا شود. بنابراین، در مقام مقایسه با نظام های ریاستی و نیمه ریاستی، جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی با جایگاه رؤسای سایر نظام ها قابل تطبیق است.<sup>۱</sup>

رئیس جمهور به عنوان ریاست هیأت وزیران و مقام دوم رسمی کشور به صورت مستقیم از جانب مردم انتخاب می شود و مسئولیت امور اجرایی کشور را «جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد» اما از حق انحلال مجلس در مواقع حساس و یا ارجاع مصوبات آن به همه پرسی (قانون گذاری مستقیم توسط مردم) برخوردار نیست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی از اختیارات فوق العاده رئیس جمهور که یکی دیگر از ویژگی های نظام نیمه ریاستی است، خبری نیست. رئیس جمهور که در قانون اساسی سال ۵۸ فقط در برابر ملت پاسخگو بود، در برابر مجلس نیز در قبال وظایف خود و اقدامات هیئت وزیران پاسخگو می باشد. این در حالی است که در نظام نیمه ریاستی مسئولیت و پاسخگویی نخست وزیر در مقابل مجلس به این دلیل است که او از مجلس رأی اعتماد می گیرد و منصوب مجلس است. پاسخگو قرار دادن رئیس جمهور منتخب مردم در مقابل مجلس با اصول حقوق اساسی و نظام نیمه ریاستی

۱. درباره جایگاه و وظایف و اختیارات بالاترین مقام سیاسی در برخی از کشورها رک به: محمد مهدی رسکتی، «بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات بالاترین مقام سیاسی در کشورهای ایران، فرانسه، امریکا و روسیه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، با راهنمایی دکتر توکل حبیب زاده، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.

تطبیق ندارد. پشتوانه مردمی رئیس‌جمهور به عنوان منتخب و نماینده مردم و به تعبیری مظهر حاکمیت ملی از یک سو، و تفسیر موسع از مسئولیت وی در اجرای قانون اساسی به موجب اصل یک‌صد و سیزدهم از سوی دیگر، مسئولیت رئیس‌جمهور در مقابل مجلس را تحت الشعاع قرار داده است.

از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی در رأس امور تلقی شده و «حداقل یک سوم نمایندگان مجلس می‌توانند رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند» و با اکثریت دو سوم کل نمایندگان مجلس به عدم کفایت وی رأی دهند که ممکن است به عزل وی توسط مقام رهبری منجر شود (اصل هشتاد و نهم).

در سال‌های اخیر علی‌رغم اینکه هم رئیس‌جمهور و اعضای دولت و هم اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی را اصول‌گرایان تشکیل می‌دادند و پس از پشت سر گذاشتن فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸، انتظار می‌رفت دولت و مجلس با همدلی بیشتر تعامل خوب و سازنده‌ای با یکدیگر داشته باشند، اما برخی اختلاف‌نظرها بین این دو نهاد در موضوعات حساس، خلاءها یا ضعف‌های قانون اساسی را در خصوص روابط دو قوه نشان داد. رئیس‌جمهور محترم به پشتوانه آراء و مقبولیت مردمی، در اداره امور اجرایی کشور استقلال و آزادی عمل احساس می‌کند و حتی از ابلاغ بعضی از قوانین مصوب مجلس خودداری نموده است و همین امر واکنش مجلس را به دنبال داشته است. برای مثال پس از ابلاغ قانون مربوط به متروی تهران از سوی رئیس مجلس سایت رسمی مجلس مطلبی با عنوان «امتناع رئیس‌جمهور از اجرای قانون» را منتشر نمود:

«امتناع رئیس‌جمهور از ابلاغ قانون مصوب مجلس و تأییدشده شورای نگهبان کار اشتباهی است... رئیس‌جمهور باید طبق قانون اساسی، قوانین مصوب مجلس را برای اجرا، ابلاغ کند... رئیس‌جمهور نمی‌تواند بگوید من قانون را اجرا

نمی‌کنم.... مجلس را برای قانونگذاری تعیین کرده‌اند و رئیس‌جمهور را برای اجرای قانون، پس او نمی‌تواند از اجرای قانون امتناع کند؛ چون او برای اجرای قانون انتخاب شده است... اقدام رئیس‌جمهور در عدم ابلاغ مصوبه مربوط به مترو خلاف قانون است.... رفتار رئیس‌جمهور می‌تواند آغازی بر یک روند نقار و شکاف بین قوا تلقی شده و از این جهت عمل ممدوح و پسندیده‌ای نیست.»  
(خبرگزاری مشرق، ۱۰ مرداد ۱۳۸۹، کد خبر ۲۱۴۲).

### مبحث سوم: راه‌کارهای پیش رو

مسائل و اختلافات به‌وجود آمده بین قوای سه‌گانه در سال‌های اخیر باعث آن گردید تا مقام معظم رهبری نیز ایجاد نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران را قابل تأمل و بررسی عنوان نمودند. در زیر برخی از راه‌کارهای پیش رو بررسی می‌شود.

#### • نظام پارلمانی

با عنایت به مطالبی که در خصوص نظام پارلمانی و شرایط لازم برای شکل‌گیری و عملکرد موفق آن بیان گردید، در شرایط کنونی در جامعه ما، لوازم آن به ویژه نظام حزبی موفق وجود ندارد و از نظر گرایش‌های سیاسی موجود در کشور، نظام پارلمانی به هیچ‌وجه قابل توصیه نبوده و بیش از پیش موجبات تفرقه سیاسی را در مجلس فراهم خواهد ساخت.

از سوی دیگر، نظام پارلمانی با مفهوم، عناصر و مؤلفه‌های آن سازگاری چندانی با ساختار نظام جمهوری اسلامی با عنایت به جایگاه و اختیارات مقام رهبری ندارد، چرا که یکی از مؤلفه‌های آن تشریفاتی بودن جایگاه رئیس‌جمهور است. یکی دیگر از ویژگی‌های نظام پارلمانی این است که به منظور حل بن‌بست سیاسی پیش آمده بین دولت و مجلس، رئیس‌جمهور حق دارد به پیشنهاد نخست‌وزیر، پارلمان را منحل کند تا با داوری مردم در انتخابات پیش از موعد، موضوع حل و فصل گردد. اما در نظام جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل یک‌صد و

دهم قانون اساسی، حل معضلات نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت از جمله اختیارات مقام رهبری است و لذا امکان انحلال مجلس موضوعیت پیدا نمی‌کند.

• نظام نیمه‌ریاستی با رئیس‌جمهور منتخب مجلس

همان‌طور که گفته شد نظام جمهوری اسلامی با توجه به ساختار آن چه به موجب قانون اساسی سال ۵۸ و چه پس از بازنگری در سال ۶۸، به نظام نیمه ریاستی نزدیک است. ساختار موجود و استقلال قوای مقرر در قانون اساسی از ظرفیت‌های خوبی برای برقراری تعامل و همکاری بین قوا برخوردار است. آنچه در این میان مسئله‌ساز شده است، به نظر می‌رسد در چند موضوع خلاصه می‌شود؛ اولاً مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس به موجب اصل یک‌صد و بیست و دوم قانون اساسی با انتخاب مستقیم وی از جانب مردم چندان منطقی نمی‌نماید. اگر چه برخی صاحب‌نظران مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس را از جهت مسئولیت وی در اجرای قوانین مصوب مجلس و ریاست بر هیئت وزیران و نقش تعیین‌کننده او در امر کشور قابل توجیه می‌دانند. (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۱۳). برای حل این مشکل راه‌کار مناسب انتخاب غیرمستقیم رئیس‌جمهور توسط نمایندگان مردم است. در این صورت رئیس‌جمهور رسمیت خود را از مجلس کسب می‌کند و در نتیجه پاسخ‌گویی وی در برابر آن معنی و مفهوم می‌یابد. در غیر این صورت با توجه به نبود پست نخست‌وزیری برای قبول مسئولیت هیأت وزیران و برنامه‌های دولت در برابر مجلس، مشکل لاینحل باقی خواهد ماند. ممکن است ایراد شود که در این صورت موقعیت رئیس‌جمهور تا حد نخست‌وزیر تقلیل می‌یابد. در پاسخ باید گفت؛ با توجه به جایگاه و موقعیت رهبری در قانون اساسی و ریاست کشور از سوی ایشان مشکلی به وجود نخواهد آمد.

ثانیاً یکی از موضوعات مهم در حقوق اساسی پاسداری از اصول قانون اساسی است که شالوده نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد. پاسداری تقنینی از قانون اساسی برعهده شورای نگهبان گذاشته شده است (اصل نود و یکم) و پاسداری اجرایی از آن تحت عنوان «مسئولیت اجرای قانون اساسی» بر عهده رئیس‌جمهور است (اصل یک‌صد و سیزدهم). اما با توجه به اینکه رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و رهبر از اختیارات و وظایف مهمی در قانون اساسی برخوردار است، نمی‌توان مسئولیت تمام عیار اجرای قانون اساسی را بر عهده وی گذاشت. (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۸۴) از سوی دیگر، هر وقت رؤسای‌جمهور در صدد برآمدند تا با تشکیل هیئتی موسوم به هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی، از اجرای قانون اساسی گزارشی تهیه و موارد تخلف را تذکر دهند، این امر موضوعی فراقوه‌ای و مغایر با استقلال سایر قوا تلقی شده است. (میرمحمد صادقی، خبرگزاری مشرق، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۱) چراکه نظارت بر اجرای قانون اساسی بیشتر ماهیت قضایی دارد تا اجرایی و در بیشتر کشورها دادگاه قانون اساسی این مهم را برعهده دارد.

#### • حفظ وضع موجود و تقویت فرهنگ و نهادهای سیاسی جامعه

نوع نظام سیاسی مانند ریاستی یا پارلمانی و کارآمدی آن بیش از هر چیزی به عرف و رسوم سیاسی و حقوقی یک جامعه بستگی دارد. در پادشاهی متحده انگلستان نظام پارلمانی شکل گرفته است و علی‌القاعده پارلمان با برخورداری از حاکمیت تقنینی در رأس امور قرار دارد. اما قوای سه‌گانه در وظایف و کارکرد و از نظر ساختار سازمانی به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط‌اند که نویسندگان حقوق اساسی به جای تفکیک قوا از اختلاط قوا در این کشور یاد می‌کنند. ملکه در مقام نظر همچنان از اختیارات ویژه‌ای برخوردار است اما در عمل همه امور اجرایی توسط نخست‌وزیر و کابینه‌ای مدیریت می‌شود که هیچ کدام تعریف مشخص و حقوقی ندارند. به یمن نظام

حزبی قوی و منسجم و نیز نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای، نظام پارلمانی در این کشور از آسیب‌های چند حزبی که به طور مثال در جمهوری چهارم فرانسه موجبات بی‌ثباتی دولت‌ها را فراهم می‌نمود، مصون مانده است. ثبات سیاسی در این کشور که حتی از داشتن یک قانون اساسی نوشته به عنوان سند تعیین‌کننده قلمرو اختیارات و وظایف قوای سه‌گانه محروم است، بیشتر مدیون عرف و رسوم سیاسی آن جامعه و پایبندی افراد به این عرف‌هاست. عرف‌های سیاسی که بخش مهمی از منابع حقوق اساسی این کشور را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

افزون بر آن، تغییر یک نظام به نظام دیگر مستلزم بسترسازی برای مقتضیات آن نظام است که نمی‌توان با یک تصمیم دفعی آن شرایط لازم را تأمین کرد. (چنانچه مقام معظم رهبری در فرض تغییر سیستم موجود، اشاره به آینده‌ای دور داشتند).

۱. در باره نظام تفکیک قوا در حقوق اساسی انگلستان رک به: نوکل حبیب زاده، محمد مهدی غم‌امی و محسن نامی، درآمدی بر حقوق اساسی تطبیقی: ایران، انگلستان، امریکا، فرانسه و چین، طرح پژوهشی به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، بخش اول فصل چهارم.



## نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه تغییر در هر ساختار سازمانی و تشکیلاتی به‌ویژه سیاسی آن هم در عالی‌ترین سطوح حاکمیتی و مدیریتی، هزینه‌های زیادی در پی دارد، و از سوی دیگر عرف‌ها و رویه‌های سیاسی می‌تواند برخی از خلاءها، نواقص و ابهامات قانون اساسی را به خوبی جبران کند، به نظر می‌رسد در وهله اول به جای تغییر در ساختار نظام سیاسی و استقلال قوای مقرر در قانون اساسی، ضرورت دارد از ظرفیت‌های قانونی و ساز و کارهای موجود نهایت استفاده به عمل آید. (گرچی از ندریانی، نشریه آرمان، ۲ آبان ۱۳۹۰)

از طرف دیگر، شاه‌کلید حل معمای مسائل سیاسی، اجتماعی و حاکمیتی تقویت فرهنگ سیاسی و روحیه تحمل عقاید و نظرات دیگران در جامعه به‌ویژه در بین نخبگان سیاسی کشور است. در انگلستان، نبود قانون اساسی نوشته، صرفاً به دلیل فرهنگ سیاسی جامعه و پابندی نخبگان به عرف‌ها و رسوم سیاسی، نه تنها هیچ مشکلی را در روابط قوای سه‌گانه به وجود نیاورده است، بلکه نظام سیاسی آن یکی از باثبات‌ترین نظام‌ها محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بدون تغییر در شکل قانون اساسی نیز می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

چنانچه تلاش‌های انجام‌گرفته جهت استفاده از ظرفیت‌های موجود پاسخگو نباشد، آن‌گاه ضرورت دارد به طراحی ساز و کار جدید (نظام نیمه ریاستی با رئیس جمهور منتخب مجلس) پرداخت. اما باید توجه کرد حرکت به سمت نظام پارلمانی نیازمند وجود نظام حزبی موفق و فرهنگ پویای سیاسی در جامعه است، در غیر این صورت تکثر و انشعاب حزبی و گرایش‌های مختلف سیاسی سبب کشمکش میان فراکسیون‌ها و در نتیجه بی‌ثباتی دولت خواهد شد. بنابراین ابتدا باید در تقویت نظام حزبی کوشید.

## منابع

الیوت، کاترین و کاترین ورنون (۱۳۸۲)، *نظام حقوقی فرانسه*، مترجم: صفر بیگ زاده، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

حبیب زاده، توکل، محمد مهدی غمامی، محسن نامی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر حقوق اساسی تطبیقی: ایران، انگلستان، امریکا، فرانسه و چین*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

رسکتی، محمد مهدی (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات بالاترین مقام سیاسی در کشورهای ایران، فرانسه، امریکا و روسیه*، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

قاسم زاده (۱۳۳۴)، *حقوق اساسی*، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه.

قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸)، *حقوق اساسی و نهادهای اساسی*، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸)، *در تکاپوی حقوق اساسی*، تهران، انتشارات جنگل.

لویی، تروتا-پل، ایزوآر (۱۳۸۰)، *حقوق عمومی*، مترجم: دکتر محسن شیخ‌الاسلامی، انتشارات کوشا مهر.



مدنی، جلال الدین (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر همراه.

نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر فردا.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج دوم، تهران، نشر میزان.

José Linz, Juan-Alfred C, Stepan, 1996; Problems of Democratic Transition and Consolidation Southern: Europe, South America, and Post-Communist Europe, JHU Press.

Mathieu, Quest-ce que le regime parlementaire?, T.D. Universite du Maine, available at

[http://chezfoucart.com/IMG/pdf/Dissertation\\_-\\_Regime\\_parlementaire\\_S4.pdf](http://chezfoucart.com/IMG/pdf/Dissertation_-_Regime_parlementaire_S4.pdf)

Camy, Oliver, 2009; Cours de Droit Constitutionnel Général, available at <http://www.droitconstitutionnel.net/Etat.htm>

[www.droitconstitutionnel.net](http://www.droitconstitutionnel.net)

[www.comite-constitutionnel.fr](http://www.comite-constitutionnel.fr)

[www.chezfoucart.com](http://www.chezfoucart.com)

[www.mashregnews.ir](http://www.mashregnews.ir)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی